

## دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: YQ262789 ISSN-P: 2717-1132

### مسئولیت مدنی ناشی از بیماری های مزمن

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

آرزو عامری

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

#### چکیده

گسترش صنعت و ارتباطات در جوامع امروزی منجر به شیوع بیماری های خطرناک مزمن و بیماری های نوپدید همچون کرونا و ابولا گردیده است. از آن جا که این بیماری ها کشنده و مسری هستند، جلوگیری از انتشار و شیوع آنها، امری ضروری است. با توجه به شیوع بیماریهای کشنده و مسری نظیر ایدز، کرونا و... که انتقال آن به طرق مختلف صورت می گیرد و از سوی دیگر، بی مبالاتی برخی از افراد بیمار به این امر دامن می زند. رسالت حقوق مسئولیت مدنی حمایت از زیان دیده و جبران خسارات وارده است. اما در برخی مواقع زیان دیده، عامل زیان نیز می باشد. بیمار مبتلا به بیماری واگیردار و مزمن و خطرناک، نمونه زیان دیده ای است که در صورت انتقال بیماری خود و آسیب به دیگران می بایست خسارات وارده را جبران نماید. ما در این مقاله می خواهیم از نظر حقوقی به این مطلب بپردازیم که انتقال بیماری های مزمن توسط شخص بیمار به دیگران چه مسئولیت ها و احکامی دارد و نهایتاً به بررسی نمونه استفتائات مراجع عظام در راستای مسئولیت حقوقی انتقال بیماری توسط شخص بیمار را مورد بازبینی حقوقی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، انتقال، بیماری، جبران خسارت، بیماری های مزمن

## بخش اول: کلیات

### بند اول: مفهوم اصطلاحی مسئولیت

مسئولیت به معنای قانونی آن همان التزام شخص به تحمل حکم قهری قانون در قبال رفتاری است که از وی صادر شده است. عده ای از حقوقدانان ایرانی، با توجه به معنای لغوی مذکور، مسئولیت را عبارت از التزام شخص به پاسخگویی اعمال و رفتار خویش در قبال مردم دانسته اند که معیار تجلی آن اعمال و رفتاری است که موجب خسارت یا جنایت می گردد. هر چند در قانون ایران هیچ گونه تعریفی از مسئولیت ارائه نشده است و به همین دلیل از طرف حقوقدانان نیز به صورت یکسان تعریف نشده است ولی همگی آنها مسئولیت را به نوعی تعهد و التزام دانسته اند. شخص دارای مسئولیت از نظر حقوقی ملزم است کاری را انجام دهد یا چیزی را متحمل سازد. بنابراین شخص مسئول ممکن است نسبت به اجراء یا پرداخت مسئولیت داشته باشد یا زندانی شود و یا به هر طریق دیگری در معرض تکالیف و تبعات حقوقی قرار گیرد. مسئولیت ممکن است بر اثر عمل اختیاری یا الزام قانون ایجاد شود. مثلاً در صورتی که شخص از اجرای مفاد قرارداد تخلف کند بر اساس قانون مسئولیت دارد.

### بند دوم: معنای لغوی بیماری

بیماری در کتب لغت مانند لغت نامه دهخدا<sup>۱</sup> و معین به معنی مرض، ناخوشی، رنجوری و ناتندرستی است و در مقابل تندرستی و صحت قرار دارد. کتاب فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان از منظر پزشکی به معنای هر نوع وضعیت غیرطبیعی در ساختار یا کارکرد بافتها یا اعضا یا دستگاههای بدن است که با مجموعه ای از علائم و نشانهها مشخص می شود. بیماری یا مرض به ناهنجاری در بدن یا روان می گویند که به علت ناراحتی، اختلال عملکرد یا تنش در بیمار یا سایر افراد مرتبط با او ایجاد می گردد. البته باید میان بیماری و سایر حالت های پزشکی مانند خستگی، ضعف، کسالت و اندوه تفاوت گذاشت. عامل ایجاد بیماری می تواند بیرونی (مانند باکتری، انگل، تغذیه ناکافی و...) یا درونی (مانند

۱. محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران: نشر داد، ۱۳۷۳، ص ۲۳.

۲. فرهنگ لغت دهخدا. ص ۵۲۷۲.

پرکاری تیروئید، دیابت و...) باشد. همچنین بیماری می‌تواند مادرزادی (مانند سندرم ترنر یا لب شگری) یا ژنتیکی مانند آل‌بینیسم باشد. بیماری تند (حاد) یا کهنه (مزمن)، واگیر دار یا ناواگیر نیز می‌تواند باشد.

### **بند سوم: مفهوم اصطلاحی بیماری**

ساده ترین تعریف بیماری آن است که نقطه مقابل سلامتی است. سازمان جهانی بهداشت سلامت را تعریف کرده ولی بیماری را تعریف نکرده است زیرا بیماری اشکال متعدد (طیف بیماری) دارد و از حالت ابتلای بدون نشانه بالینی تا بیماری شدید را در بر دارد. در ایجاد بیماری سه عامل محیط، میزبان و عامل بیماری زا نقش دارند. بیماری عبارت است از یک حالت مرضی که به علت اثر عوامل بیماری زا در بدن ایجاد می‌شود و بواسطه آن بدن نظم طبیعی خود را از دست می‌دهد. به طور کلی بیماری‌ها به دو گروه عمده «بیماری‌های واگیر» و «بیماری‌های غیر واگیر» تقسیم می‌شوند.

### **بند چهارم: مفهوم واژه انتقال و سرایت بیماری**

واژه انتقال مصدر عربی بر وزن انتقل انتقالا از ریشه (ن ق ل) است. او در کتب لغت دهخداؤ معین به معانی از جایی به جایی شدن، جا به جا شدن و از جایی به جایی رفتن و نقل مکان کردن آمده است و از آن جایی که موضوع مورد نظر ما انتقال بیماری است می‌توان از انتقال معنای اراده و قصد را نیز استفاده کرد. اما توضیح مختصری از واژه سرایت نیز به نظر ضروری می‌رسد. سرایت اسم مصدر عربی است که در لغت نامه دهخدا<sup>۳</sup> به معنی تاثیر و اثر کردن چیزی در چیز دیگر آمده است. در فرهنگ معین علاوه بر معانی اثر و تاثیر به معنای انتقال بیماری به دیگری نیز آمده است. در فرهنگ عمید، سرایت به لحاظ پزشکی و در معنای انتقال مرض از یکی به دیگری و واگیری آمده که این معنی به بحث ما نزدیکتر است.

### **بخش دوم: شناخت انواع بیماری‌ها از نظر سرایت به دیگران**

#### **بند اول: بیماری‌های غیر واگیر**

۱. فرهنگ الرائد، ص ۲۹۴.

۲. فرهنگ لغت دهخدا، ص ۳۴۵۷.

۳. همان، ص ۱۳۵۵۶.

هر چه از اهمیت بیماری های مسری و واگیر کم می شود، برعکس درگیری با بیماری های غیر واگیر اهمیتی روز افزون پیدا می کنند. در حال حاضر، بیماری های قلبی عروقی و سرطان ها در راس علل مرگ و میر در کشورهای پیشرفته قرار دارند و در بسیاری از کشورها بیماری های غیر واگیر روند صعودی دارند. در کشور ایران، بیماری های قلبی عروقی، حوادث و سرطان ها بیشترین علل مرگ و میر را به خود اختصاص داده اند. در طول تاریخ شیوع و همه گیری های بیماری های واگیر، بارها بسیاری از انسان ها را از بین برده است و امروز نیز علی رغم پیشرفت دانش پزشکی، بیماری های واگیر به عنوان یک امر نگران کننده هستند، به خصوص در کشورهای در حال توسعه که بیماری های واگیر در صدر علت های مرگ و میر قرار دارند. امروزه گسترش وسایل حمل و نقل و سهولت مسافرت، شرایط سرایت و انتقال بیماری های واگیر بومی را به سایر نقاط دنیا بیشتر فراهم کرده است. بیماریهای عفونی واگیردار به دلیل قابلیت ایجاد اپیدمی به عنوان یک مشکل بهداشتی در سراسر جهان مطرح هستند. بروز مقاومت دارویی در عوامل بیماری زا و یا ناقلین آنها، بازگشت مجدد برخی بیماریها به مناطقی که سالها عاری از آن بیماریها بوده اند (بیماریهای بازپدید) و ظهور بیماریهای جدید (بیماریهای نوپدید)، همه از دلایل لزوم توجه به این دسته از بیماری ها هستند. بیماری حاصل از عوامل عفونی یا فرآورده های سمی است که بتواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم، از انسان به انسان یا از جانور به انسان، یا از جانور دیگر و از محیط زیست ( آب، هوا، غذا ) به انسان منتقل شود و حضور فرد آلوده در محیط باعث انتشار بیماری به اطرافیان می گردد مانند سل و سرخک.<sup>۱</sup>

### بند دوم: بیماری های غیر واگیر

بیماری های غیر واگیر را به انواع مختلف تعریف کرده اند، برابر تعریف سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۵۷، بیماری غیر واگیر عبارتست از کاهش در ساختار یا اعمال بدن که ضرورتاً سبب تغییر در زندگی عادی بیمار گردد و در طی یک دوره ی زمانی طولانی ادامه یافته و پایدار باشد. بیماریهای غیر واگیر شامل بیماریهای قلبی عروقی، کلیوی، عصبی و روانی، گواتر، تالاسمی، فشار خون بالا، بیماریهای مزمن و غیر اختصاصی تنفسی ( مانند

۱. اسحاق ایلدر آبادی، درسنامه پرستاری بهداشت عمومی ۱ و ۲ و ۳، چاپ سوم، تهران: جامعه نگر: سالمی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲ - ۱۲۹.

آسم)، پی آمدهای دائمی سوانح، پیری، کوری، سرطان، دیابت و پی آمدهای مزمن بیماریهای واگیر دار می باشند.

### بخش سوم: بررسی و تحلیل مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی نوعی از مسئولیت حقوقی است که گاهی به ضمان قهری و گاهی نیز به مسئولیت غیرارادی تعبیر می شود. مسئولیت مدنی در زندگی کنونی بشر از مباحث اساسی و عمده ای شده است به گونه ای که حتی اظهارنظر شده که م. م نوع دیگری از مسئولیت حقوقی است. مسئولیت مدنی هنگامی بوجود می آید که ملزم به ترمیم نتایج خسارتی باشد که به دیگری وارد آورده است. از نظر دکتر حسینی نژاد، مسئولیت مدنی، تعهد انسان است در برابر انسانی دیگر. تعهدی که این حقوقدان بزرگ از آن نام می برد، البته دارای ضمانت اجرائی نیز می باشد. یعنی قانون آن را به رسمیت شناخته و مورد حمایت قرار داده است. در هر موردی که شخص موظف به جبران خسارت دیگری باشد، در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است. 'مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد. اعم از آنکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیا و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. آئیز در ترمینولوژی نوین حقوق، مسئولیت مدنی عبارت است از مسئولیتی که از قابلیت ارزیابی به مال برخوردار می باشد. به طوری که گذشت، مفهوم مسئولیت مدنی آن است که هر کس ضرری به دیگری وارد کند به حکم قانون و با تحقق شرایط قانونی، مکلف به جبران خسارت است.

### بخش چهارم: انواع مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی از حیث قلمرو به دو شعبه مهم تقسیم می شود. یکی مسئولیت ناشی از قرارداد و دیگری مسئولیت خارج از قرارداد که در ذیل به شرح هر یک پرداخته ایم :

#### بند اول: مسئولیت مدنی ناشی از قرارداد ( ضمان ناشی از عقد )

مسئولیت ناشی از قرارداد یا عهده عبارت از تعهدی است که در نتیجه تخلف از مفاد قراردادهای خصوصی، برای اشخاص ایجاد می شود. به عبارت دیگر مسئولیت کسی است

۱. ناصر کاتوزیان، وقایع حقوقی، نشر یلدا، ۱۳۷۱، ص ۵.

۲. حسین قلی حسینی نژاد، مسئولیت مدنی، مجتمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۷، ص ۱۳.

که در عقدی از عقود اعم از عقود معین و غیرمعین تعهدی را پذیرفته باشد و به علت عدم انجام تعهد یا تأخیر در انجام تعهد و یا در حین انجام تعهد و یا به سبب انجام تعهد، خسارتی به متعهد له وارد نماید. اصطلاحاً این نوع مسئولیت را مسئولیت ناشی از قرارداد و مسئولیت عقدی می نامند که در مقابل مسئولیت خارج از قرارداد استعمال می گردد و عناصر تشکیل دهنده آن:

الف : تخلف از تعهد.

ب : ضرری که از تخلف مزبور به متعهد له وارد می شود.

ج : رابطه سببیت بین تخلف و ضرر<sup>۱</sup>

بنابراین مسئولیت قراردادی وقتی تحقق پیدا می کند که در نتیجه عدم اجرای تعهد یا قرارداد، ضرر وارد شده باشد که این ضرر و خسارت ناشی از رابطه حقوقی ( قرارداد یا تعهد ) فی ما بین زیان دیده یا متعهدله با متعهد است. در هر حال در قراردادها اگر کسی تعهد ناشی از قرارداد را ایفاء نکند، طرف مقابل حق و اختیار دارد از متعهدی که از انجام تعهد خود مطابق قرارداد سرباز می زند خسارت بگیرد و قانون مدنی آن را خسارت عدم انجام تعهد نامیده است و مسئولیتی که متعهد در این گونه موارد در برابر متعهد له پیدا می کند، اصطلاحاً مسئولیت قراردادی گفته می شود. در مورد مسئولیت مدنی در قرآن نیز می توان به آیه ۳۴ سوره ی اسراء اشاره کرد : « وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولاً »

« و به عهد خود باید وفا کنید که البته (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد » این آیه دلالت بر ضمان عهدی می کند و اگر کسی پیمانی بنده البته با رعایت شرایط باید بدان پیمان وفا کند وگرنه مسئول است.

### **بند دوم: مسئولیت مدنی خارجی از قرارداد ( ضمان ناشی از قانون )**

برعکس مسئولیت قراردادی ( عهدی ) مسئولیت قهری، در صورتی که بین دو شخص قرارداد و یا پیمانی وجود ندارد و یکی از آن دو در اثر عمد یا در نتیجه خطا به دیگری خسارت وارد نماید، محقق می شود و مسئولیت مزبور را غیرقراردادی یا خارج از قرارداد نیز می نامند. به عنوان مثال قانون مقرر می دارد که در رفتار و گفتار خود محتاط باشید، تهمت نزنید و آدم نکشید، بی مبالاتی و بی احتیاطی نکنید. حال اگر کسی به این سری از

<sup>۱</sup>. ترمینولوژی حقوق، ص ۶۴۴، ش ۵۱۲۹.

تکالیف قانونی که راجع به همه افراد مقرر شده است، عمل نکند و در نتیجه تخلف از این مقررات قانونی به دیگری خسارتی وارد نماید، وارد کننده خسارت باید آن را ترمیم و جبران کند. به مسئولیت مدنی خارج از قرارداد، « ضمان قهری » یا « مسئولیت غیرقراردادی » نیز اطلاق می شود. در فقه و قانون مدنی ما، این نوع مسئولیت را ضمان قهری نامیده اند : « ضمان قهری عبارت است از مسئولیت به انجام امری و یا جبران زیانی که کسی در اثر عمل خود به دیگری وارد آورده است. چون مسئولیت مزبور در اثر عمل قضائی و بدون قرارداد و عقد حاصل می شود آن را قهری می گویند »<sup>۱</sup> مسئولیت قهری هنگامی وجود دارد که بر اثر نقض وظیفه ای قانونی زیانی به کسی برسد راننده خودرو که پیاده ای را زخمی می کند وظیفه قانونی خود را که زیان نرساندن به دیگران است نقض کرده است این مسئولیت قهری به دو نوع تقسیم می شود : یکی مسئولیت قهری به معنای اخص که آن را می توان مسئولیت کیفری هم نامید و در آن فاعل زیان در ایجاد خسارت و ضرر وارده به زیان دیده عمد دارد مانند آن که راننده خودرو که با پیاده ای کینه دارد عمداً به او آسیبی رسانده است که این کار جرم نیز هست. نوع دوم مسئولیت شبه جرم است و آن زیان ناشی از بی احتیاطی مباشر است که در این نوع، ضرر و خسارت در اثر بی احتیاطی یا غفلت فاعل زیان، وارد می آید ( مثلاً حادثه که بر اثر سرعت اضافی پیش آمده است).<sup>۲</sup> در هر یک از دو حالت یاد شده ریشه مسئولیت ناشی از قرارداد بین مباشر و زیان دیده نیست بلکه ناشی از الزامات قانونی می باشد.

### بخش پنجم: بررسی حقوقی مسئولیت انتقال عمدی بیماری مزمن

آنچه در این فرض مطرح است، عمدی بودن انتقال از سوی ناقل بیماری مزمن است. بدین شرح که وقتی شخصی که دچار بیماری واگیردار و کشنده ای همچون ایدز و یا هپاتیت نوع ب و امثالهم بوده و از روی عمد و آگاهی این بیماری را منتقل نماید و منجر به فوت شخص گردد، چه آثاری به دنبال خواهد داشت. و در فرض دیگر انتقال عمدی، مسئله انتقال بیماری واگیردار مطرح است که بر خلاف صورت اول که منجر به قتل بود منجر به نقص گردد مانند بیماری جذام. بنابر این ما دو شکل کلی در این فرض داریم که یکی

۱. سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج اول چاپ ۷۱ اسلامی، ص ۳۶۱.

۲. حسینی حسینی نژاد، مسئولیت مدنی، ص ۱۴ و ۱۵.

انتقال منجر به قتل می باشد و دیگری انتقال منجر به جرح و یا نقص عضو. و در هر دو بحث عمد مطرح است. حال اینکه ممکن است این انتقال به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم صورت بگیرد مثل انتقال به واسطه خون آلوده، سرنگ آلوده و امثال آن منتقل گردد.<sup>۱</sup>

### بند اول: ضرر و زیان های ناشی از جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص

هر چند در انتقال بیماری ها ضرر مادی نیز قابل طرح است اما آن چه بیشتر در این مسئله اولویت دارد ضرری است که به جسم وارد می گردد و به واقع ضرری است که قابل جبران نمی باشد. به طور کلی، ضرر عبارت است از لطمه زدن به هریک از حقوق و مصالح مشروع انسان می باشد و این حقوق تنها حقوق مالی نیست بلکه شامل تمامی حقوق و منافع و مزایای انسان در چارچوب قانون می باشد. از نظر دکتر کاتوزیان: در هر جا که نقضی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه ای وارد آید می گویند ضرری به بار آمده است. انسان نسبت به حیات و تمامیت جسمی خویش دارای حقوقی است و این مصونیت جسمی در اصل ۲۲ ق. ۱ تضمین گردیده است. آذر حقوق بشر، نیز در این باب می توان به حق بهداشت و سلامت اشاره کرد: بهداشت به منزله ی حقی از حقوق بشر در اسناد ملی و بین المللی تضمین می شود. تعداد قابل ملاحظه ای از میثاق ها و و قانون اساسی کشورها، با بیان خاص خود بهداشت را به منزله ی حقی از حقوق بشر تنظیم کرده اند. این مقررات مسئولیتی برای دولت ها قائل هستند که به موجب آن بهداشت را به عنوان یک حق فردی در نظر آورند و تکالیف معینی را برای دولت به وجود آورند. مفهوم بهداشت به منزله ی حقی از حقوق بشر، سردرگمی و در مواردی مجادله هایی را به بار می آورد. عبارات مختلفی مانند « حق بر بهداشت »، « حق مراقبت بهداشتی »، « حق حفظ بهداشت » و در معنای گسترده « حقوق بهداشتی » عبارت وسیع تر « حق بهداشت » غالباً در سطح سازمان ملل متحد استعمال می شود. به طور کلی حق بهداشت، تعدادی تکالیف مرتبط با مقوله ی بهداشت را بر عهده ی دولت قرار

<sup>۱</sup>. برای توضیح بیشتر درباره بیماری ایدز به بخش ضامم رجوع کنید.

<sup>۲</sup>. حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.



می دهد. این موارد، نه تنها مراقبت های بهداشتی بلکه بعضی از لوازم و پیش شرط های پراهمیت بهداشت نظیر آب سالم، تغذیه کافی و بهداشت محیط بهداشت را در بر می گیرند. ایجاد ایمنی نسبت به بیماری های مهم واگیردار یکی از خط مشی های سازمان بهداشت جهانی است. دلایل محکمی وجود دارد که بپذیریم تعهد به رعایت حق بر بهداشت قابل مطالبه و رسیدگی قضایی است. نقض این حق سلامتی و بهداشت جامعه را به خطر می اندازد و ارتباط مستقیمی با نقض حق حیات انسان ها دارد. در حقوق کیفری ما تعداد زیادی مقررات بازدارنده برای حفظ بهداشت و تضمین سلامت مردم پیش بینی شده است. به عبارت دیگر قانونگذار با پیش بینی تضمین کیفری و جرم انگاری موارد نقض حق بر بهداشت و سلامتی از این حق حمایت کیفری به عمل آورده است. برای نمونه می توان به ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد. <sup>۱</sup> « هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل : آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابانها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد. و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. »

### **بند دوم: بررسی فقهی مجازات قتل عمد توسط ناقل بیماری های مزمن و**

#### **کشنده خطرناک**

با توجه به آنچه درباره قتل عمد مطرح شد وقتی کسی که ناقل ویروس باشد و با قصد کشتن شخص مجنی به عنوان مثال همسر خود با وی مباشرت کند و با همین انتقال صورت گیرد و منجر به مرگ وی گردد از آنجا که عناصر جرم قتل عمد همه محقق است می توان ناقل را تحت همین عنوان مورد مجازات قرار داد. در فقه ضرر های کوچک هم مورد توجه بوده لذا ضرر های بزرگ همچون قتل نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است، لذا مجازات چنین ضرری نیز متناسب با آن پیش بینی گردیده است. در جنایات عمدی،

<sup>۱</sup>. امیر ارجمند، اردشیر، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ص ۱۷۳.

<sup>۲</sup>. محمد رضا ساکی، حمایت کیفری از حقوق بشر ( جرم انگاری و ضمانت اجرا )، چاپ اول، تهران : میزان، ۱۳۹۲، ص

مجازات پیش بینی شده قصاص است، در اسلام مصالحی وجود دارد که حفظ آن ها لازم و ضروری و تعرض به آنها مستوجب مجازات است. مصالح معتبر اسلام که می توان گفت مصالح انسان ها است و نیازهای انسان را در جهت مادی و معنوی برآورده می سازد. علمای بزرگ اسلام، مجموعه مصلحت های انسان را در پنج چیز می دانند و اسلام در قانون گذاری های خود هدفی جز حفظ و حراست از این مصالح را ندارد. آنها عبارت اند از :

۱) مصلحت حفظ نفس

۲) مصلحت حفظ دین

۳) مصلحت حفظ عقل

۴) مصلحت حفظ ناموس

۵) مصلحت حفظ مال

حیات انسان در بعد مادی و معنوی آن، جز در سایه حفظ و نگهداری از این مصالح امکان پذیر نیست و همه قوانین متنوع اسلامی برای حمایت از این مصلحت ها جعل و قانون گذاری شده است. همه احکام و قوانین اسلام، در همه ابواب فقهی، برای پاسداری از این مصالح و تقویت و پشتیبانی از آنهاست، از این رو اسلام تجاوز و ستم به هر یک از این مصلحت ها را جرم می شناسد و برای هر جرم، کیفی متناسب مقرر داشته است. امام غزالی، در کتاب «المصطفی» علاوه بر اینکه هر نوع تجاوز به امور پنج گانه یاد شده را خلاف سعادت و رفاه ذاتی و واقعی انسان می داند، درباره ملاک جرم در اسلام می نویسد: «ملاک جرم در اسلام تعدی و تجاوز به این اصول است که نیازها و ارزش های ضروری و اولیه انسان به شمار می روند و این عقیده ای است که نه تنها مسلمین برآند، بلکه از بدیهیات عقلی نیز محسوب می شود و هر خردمند بی غرضی می تواند بدان حکم کند.» مصلحت حفظ نفوس یکی از بزرگترین مصلحت های اسلامی است. احکام و مقررات بسیاری در این رابطه، قانونگذاری شده است که بخشی از آنها درباره حقوق جزا است. جرم های تعدی و تجاوز به جان و حیات انسانی را اگر در هر می قرار دهیم، جرم قتل عمد در راس آن قرار میگیرد، که کیفر آن قصاص، یعنی اعدام است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. علیرضا فیض. مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی، ص ۷۴.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۱۷۹.

### بند سوم: انتقال عمدی بیماری منجر به جرح و یا نقص عضو

شکل دیگر در انتقال عمدی بیماری های مسری این است که منجر به صدماتی مادون نفس گردد؛ یعنی تحت عناوینی مثل جرح و امثال آن قابل طرح باشد. لذا تعاریف این عناوین برای تفهیم این قسم انتقال ضروری است:

تعریف ضرب: هر چند واژه ضرب به نظر تناسبی با موضوع مورد بحث ما ندارد اما از آن جا که در قانون عنوان مجرمانه ایراد ضرب و جرح عنوان متناسب با انتقال بیماری منجر به صدمات مادون نفس می باشد، در اینجا به طور مختصر به توضیح واژه ضرب نیز پرداخته ایم. ضرب در لغت به معنای زدن مثل، شکل، نوع و صنف از چیزی است. در اصطلاح پزشکی، ضرب به صدمات و آسیب هایی اطلاق می شود که بدون از هم گسیختگی ظاهری نسجی و جاری شدن خون ایجاد می گردد مانند تورم و کوفتگی. در مفهوم کیفری، ضرب به هر صدمه وارده به بدن انسان گفته می شود که مستقیم یا غیر مستقیم به صورت زدن یا تصادم و یا برخورد و تلافی شدید حاصل می شود، گرچه هیچ اثر زخم و کوفتگی باقی نگذارد، ولی ضربه معمولا منتهی به سرخی (احمرار)، کبودی (احضرار) و سیاهی (اسوداد) بدن می گردد. ایراد ضرب ممکن است بالمباشره با مشت و لگد و امثال آن باشد و یا با تسبیب به وسیله هر آلت و جسم دیگر مانند چوب، شلاق و نظایر آن وارد آید و آنچه مسلم است ضربه، مستلزم تاثیر و تاثر مادی در بدن مضروب است.<sup>۱</sup> جرح در لغت به معنای زخم زدن، بدگفتن، ساقط کردن و از نظر پزشکی قانونی به مواردی گفته می شود که بافت های بدن از هم گسیخته شود و اغلب توام با خونریزی است مانند خراشیدگی، پارگی و بریدگی. از نظر کیفری، جرح بر مطلق زخم بدن چه از غیر وارد شده باشد و چه از فساد در بدن پیدا شود، اطلاق می گردد و مراد فقها به جراح در این مورد غالبا جراحت وارده از غیر است و از نظر فنی، مقصود از جرح هر ضایعه ای است که با عوامل و وسایل مکانیکی یا فیزیکی یا شیمیایی در اعضا و نسوج بدن انسانی حادث شود اعم از اینکه آن ضایعه، درونی باشد یا بیرونی و اعم از اینکه ایجاد خونریزی بکند یا نکند و موجب مرض بشود یا نشود.<sup>۲</sup> همان طور که در تعریف جرح بیان شد، این واژه تناسب بیشتری با موضوع مقاله دارد، زیرا

<sup>۱</sup>. هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای اختصاصی، ص ۳۱.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۳۲.

ناقل به واقع منجر به ایجاد بیماری در شخص مجنی علیه گردیده است که با توجه به معانی جرح در بسیاری از موارد بیماری انتقال یافته با این عنوان مطابق می باشد. منظور از نقص عضو، ایجاد کاستی در شکل ظاهری عضو و یا نحوه طبیعی عضو است که معمولاً همراه با ضایعه ظاهری می باشد، نظیر کج شدن، کمر شدن گوش و... صرف ایجاد نقص زیبایی موجب تحقق نقصان عضو نخواهد بود، مثل بریدن موی سر. بنابراین هر نقص زیبایی نباید نقصان عضو تلقی شود. البته در مواردی نیز نقصان عضو موجب نقص زیبایی هم خواهد شد. <sup>۱</sup> به طور مثال، بیماری جذام نمونه بارز نقصان بوده و لذا ناقل این بیماری عامل ایجاد این نقصان در مجنی بوده و مجرم به شمار می آید.

#### بند چهارم: بررسی فقهی حقوقی مجازات قتل غیر عمدی توسط ناقل بیماری

از آن جا که قتل شبه عمد و خطا هر دو غیر عمدی به حساب آمده، در این قسمت مجازات هر دو قسم را مطرح می نمایم.

در قرآن کریم این گونه آمده است: « وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا »<sup>۲</sup>

هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمن دیگر را جز به خطا بکشد. و هر کس که مؤمنی را به خطا بکشد باید که بنده‌ای مؤمن را آزاد کند و خونبهایش را به خانواده‌اش تسلیم کند، مگر آنکه خونبها را ببخشند. و اگر مقتول، مؤمن و از قومی است که دشمن شماست فقط بنده مؤمنی را آزاد کند و اگر از قومی است که با شما پیمان بسته‌اند، خونبها به خانواده‌اش پرداخت شود و بنده مؤمنی را آزاد کند و هر کس که بنده‌ای نیابد برای توبه دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد. و خدا دانا و حکیم است. مجازات قتل در حکم شبه عمد در ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده پیش بینی شده است، ماده فوق الذکر مقرر می دارد:

۱. همان، ص ۴۹.

۲. سوره ی نساء، آیه ۹۲.

در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد. مجازات قتل شبه عمد از نظر فقه شیعه متشکل از مجازات‌های اصلی و تبعی است که عبارت است از: دیه، کفاره، تعزیر.

دیه: تعریف دیه: دیه، واژه ای عربی و به معنای جاری شدن چیزی، نابودی و هلاکت است و در اصطلاح، بهای خونی است که جاری و ریخته می شود. مرحوم محقق نجفی (صاحب جواهر) در توصیف دیه آورده است: منظور از دیه، مالی است که به خاطر جنایت بر نفس یا اعضای انسان حر، واجب می شود، چه میزان مشخصی برای آن باشد و چه نباشد. هر چند دیه معین را اصطلاحاً دیه و دیه نامعین را ارش و حکومت می نامند. ذر فارسی به آن خونبها گویند، در فقه اسلامی عبارت از مالی است که به عنوان بدل نفس یا اطراف در جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص به قربانی یا اولیای دم پرداخت می شود و بدین ترتیب، در کنار قصاص، یکی دیگر از شیوه های مقابله با جنایات و جبران آنها می باشد.

لزوم پرداخت دیه که در آیاتی از قرآن مجید مورد اشاره قرار گرفته است، حکمی است که توسط اسلام مورد تایید قرار گرفته و برای جلوگیری از تزییع حقوق اشخاص، حدود و ثغور آن مشخص شده است. در موادی از قانون مجازات اسلامی نیز تعریف فقهی دیه منعکس شده است.<sup>۲</sup>

ماده ۱۴ ق.م.ا مصوب ۹۲، دیه را یکی از مجازات های چهارگانه دانسته و ماده ۱۷ همین قانون آن را مالی می داند که از طرف شارع برای جنایت جسمانی تعیین شده است و ماده ۴۴۸ نیز همین توصیف را نموده است: دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.

<sup>۱</sup>. عباس زراعت، حقوق جزای اختصاصی ۱، ص ۱۹۹.

<sup>۲</sup>. حسین میر محمد صادقی، جرائم علیه اشخاص. ص ۱۹۵.

ماده ۴۵۰ قانون مذکور بیان می کند که در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی<sup>۱</sup> علیه یا ولی دم دیه پرداخت می شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود. بنابراین، دیه در جنایات غیر عمدی واکنش اصلی می باشد و در جرایم عمدی که امکان قصاص در آنها وجود ندارد واکنش بدلی و جایگزین است.

ماهیت دیه: پرداخت دیه به مجنی علیه یا اولیای دم وی در قبال جنایتی که بر مجنی علیه وارد شده است هماهنگ با تفکری است که امروزه زیربنای آنچه را که آن را عدالت ترمیمی می نامیم تشکیل می دهد، زیرا تکیه اصلی در این تاسیس بر جبران زیان قربانی جرم، تا آنجا که با پرداخت ما به ازای مالی ممکن می باشد، است. به علاوه، برخی این تاسیس را در واقع تخفیفی از جانب خداوند دانسته اند. خداوند می فرماید « ذلک تخفیف من ربکم و رحمه » که منظور از آن این است که پیش بینی امکان عفو جانی و تبدیل قصاص به دیه در اسلام در واقع تخفیفی است نسبت به آنچه که در میان بنی اسرائیل در مورد بلا تغییر بودن حکم قصاص وجود داشته است. گرچه دیه دارای ماهیت خسارت و مجازات است اما جانب خسارت بودن آن بر جانب مجازات بودن، برتری دارد.

مسئول پرداخت دیه: گرچه دیه، خسارت جسمانی است اما ماده ۱۴ ق. م. ا آن را نوعی مجازات دانسته است و یکی از ویژگی های دیات آن است که شخصی هستند یعنی نسبت به شخص مجرم اعمال می شوند بنابراین اصل آن است که دیه را شخص جانی بپردازد. ماده ۲۶۲ بر همین اساس، آورده است: دیه جنایت عمدی و شبه عمدی، بر عهده ی خود مرتکب است.<sup>۱</sup>

کفاره: یکی دیگر از مجازاتهای قتل شبه عمد مانند انواع دیگر قتلها، دادن کفاره آن است که باید قاتل برده ای را آزاد کند و اگر آن میسر نشد باید دو ماه متوالی روزه بگیرد و اگر آنهم ممکن نگردید شصت مسکین را اطعام کند، البته وجوب کفاره در این بحث اختصاص به قتل شبه عمد ندارد بلکه قتل عمدی و قتل خطا نیز موجب کفاره در این بحث اختصاص به قتل شبه عمد ندارد بلکه قتل عمدی و قتل خطا نیز موجب کفاره است چنانکه در بحث قتل عمدی مختصر توضیح داده شد نوع کفاره در قتل عمدی، کفاره، جمع است یعنی قاتل

<sup>۱</sup> عباس زراعت، حقوق جزای اختصاصی ۱، ص ۲۰۸.

در عین آزاد کردن برده، باید دو ماه متوالی نیز روزه بگیرد و شصت مسکین را اطعام کند، لازم به ذکر است که موضوع کفارہ امروز یک امری شخصی و عبادی تلقی شده است و ضمانت اجرای قانونی ندارد.

تعزیر: اساساً در مجازات قتل شبه عمد، مجازاتی به عنوان تعزیر بر قاتل تحمیل میشود این امر بدان سبب است که در قتل عمدی و خطائی، این موضوع چندان مطرح نیست، زیرا در قتل عمدی چون قاتل قصاص میشود و حیات خود را در مقابل حیات مقتول از دست میدهد لذا چندان موردی برای بحث از تعزیرات باقی نمیماند و در قتل خطا نیز چون اصولاً قاتل مقصر نیست و تنها محکوم به پرداخت دیه قتل است جایی برای بحث از اجرای مقررات تعزیراتی نیست. بنابراین، قتل شبه عمد که باید به تحقیق از مجازات تعزیراتی آن بحث شود. از آنجا که منشأ تقصیر منجر به وقوع قتل شبه عمد، گوناگون و متفاوت است به نسبت اهمیت موضوعات مختلف، قوانین ویژه ای برای هریک از آنها تصویب شده است لذا جهت بدست آوردن حکم هر موضوعی باید نخست به قانون مربوط به آن مراجعه گردد.

بنابراین بطور کلی میتوان گفت که: با توجه به میزان تقصیر و آگاهی مرتکب از نتیجه احتمالی فعل یا ترک فعلی که منجر به قتل مجنی علیه شده است مجازات تعزیری وی تعیین میشود. مجازات قتل خطاء محض نیز حسب ماده ۲۹۵ ق. م. ا مصوب ۷۰، دیه می‌باشد. و طبق ماده ۴۶۳ همین قانون مصوب ۹۲، در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه برعهده عاقله است و اگر با اقرار مرتکب یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد برعهده خود او است.

تطبیق با قاعده اتلاف: با دقت در تعریف قانون مجازات اسلامی و تعاریف فقهای از قتل خطای محض که تقریباً با هم یکسان هستند متوجه می‌شویم که برای تحقق این نوع قتل، ارتکاب هیچگونه تقصیری از سوی مرتکب شرط نمی‌باشد و صرف اینکه شخص مباشرت در از بین رفتن انسان دیگر نموده است برای انتساب قتل به او کفایت می‌کند که این امر مشابه با موضوع اتلاف در حقوق مدنی می‌باشد که در آنجا نیز تقصیر یا عدم تقصیر متلف شرط مسئولیت او نمی‌باشد. در حقیقت از مقایسه بحث قتل خطائی با بحث اتلاف که هر دو ریشه فقهی دارند چنین استنباط می‌شود که شارع مقدس اسلام همان احکام و قواعد حاکم بر موضوع اتلاف را در مورد قتل خطای محض جاری می‌نماید؛ بدین دلیل که در

موضوع اتلاف شارع معتقد است که متلف باید تمام خسارتهایی که به بار آورده است را جبران نماید چرا که او عامل و باعث ایراد خسارت بوده است.

### بخش ششم: انتقال بیماری مزمن و خطرناک با رضایت شخص

مراد از این بخش انتقال بیماری از ناقل است بدین نحو که با رضایت شخصی که بیماری به وی منتقل می‌گردد که تحت عنوان مجنی علیه مد نظر است، صورت گیرد. لذا آن چه مورد بررسی است این است که آیا صرف رضایت شخص، مسئولیت انتقال بیماری ها علی‌الخصوص در مورد بیماری های خطرناک و کشنده از بین می‌رود؟ و اینکه این رضایت تا چه میزان در میزان مسئولیت ناقل موثر خواهد بود؟ و آیا می‌توان به قاعده اقدام در این موارد استناد کرد و ناقل را از مسئولیت مبرا نماییم؟ اینها سوالاتی است که در این فرض، به دنبال بررسی آن‌ها هستیم. اگر مجنی علیه خود رضایت داده باشد که جرمی علیه او صورت گیرد آیا می‌توان مرتکب عمل مجرمانه را مسئول دانست و مجازات کرد؟ به طور مثال، مردی که با رضایت زنی با او رابطه جنسی برقرار می‌کند و منجر به انتقال بیماری می‌گردد، آیا مرتکب جرم می‌شود؟ شاید به نظر چنان آید که وقتی خود مجنی علیه رضایت داشته باشد جرمی علیه او صورت گیرد مسئولیت و مجازات از بین می‌رود. ولی باید گفت که رضایت مجنی علیه اصولاً تاثیری در ماهیت عمل مجرمانه ندارد. زیرا می‌دانیم که هر جرم دو جنبه دارد؛ یکی جنبه خصوصی و دیگری جنبه عمومی. رضایت مجنی علیه باعث از بین رفتن جنبه خصوصی جرم می‌شود ولی جنبه عمومی جرم باقی می‌ماند.

چنانچه ماده ۸ آ. د. ک مصوب ۹۲ مقرر می‌دارد:

محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی.

ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین.

در فقه، با نظر به برخی از آیات و روایات مبنی بر تسلط انسان بر نفس خویش، برخی رضایت انسان را به منزله ی عدم مسئولیت شخص جانی می‌دانند. به همین منظور در ذیل



به طور مختصر به این مسئله می پردازیم: در حدیث آمده است: لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَيِّئَةٍ نَفْسِهِ؛<sup>۱</sup>

یعنی برای مسلمان خون مرد مسلمان حلال نیست مگر با رضایت خاطر وی. از این حدیث و نظایر آن این سوال پیش می آید که آیا جسم و جان و مال انسان کلا در اختیار انسان می باشد و انسان مسلط به آنها است و می تواند هر تصرفی در آنها بکند یا جسم و جان و مال انسان مال او نیست بلکه امانت الهی است. از نظر کلی همه موجودات در این جهان متعلق به خداوند سبحان می باشد لکن انسان به عنوان خلیفه الله این اجازه را دارد که به نحو مستقل در اموال جهان مداخله و تصرف نماید بنابراین به نظر می رسد انسان ماهیتا مالک اموال مشروع و جسم و جان خود است لذا انسان حق همه گونه تصرف در اموال و انفس خود را دارد لکن باید به احکام شریعت هم عمل نماید. به هر حال به نظر می رسد در موضوع قدرت و تسلط انسان بر جسم و جان از یک طرف حق خدادادی تصرف بر جسم و جان خود را دارد و از طرفی احکام شریعت بر عدم اتلاف و از بین بردن جسم و جان وارد شده است حال اگر انسان را مسلط بر جسم و جان خود ندانیم هر گونه جنایتی بر انسان حتی با رضایت وی ضمان آور می باشد و اذن و رضایت انسان نمی تواند مسئولیت حقوقی او را از بین ببرد و اگر انسان مسلط بر جسم و جان باشد با اذن و رضایت انسان ضمانت کسی که جنایتی بر جسم او وارد می کند منتفی می شود و بدیهی است در هر دو حال مسئولیت الهی از نظر ترک احکام الهی به جای خود باقی است. اصل کلی این است که رضایت مجنی علیه علت توجیه کننده فعل یا ترک فعل مجرمانه نیست، به این دلیل که مجازات علی الاصول و در شرایط عام برای دفاع از منافع خصوصی ایجاد نشده و قوانین جزایی بیشتر در جهت استقرار نظم عمومی و بقای جامعه تدوین شده اند. بدین ترتیب، رضای مجنی علیه تاثیری در جرم انجام یافته ندارد. هر چند ممکن است انگیزه های جرم خیرخواهانه باشد اما می دانیم که داعی، قصد مجرمانه را از بین نمی برد و فقط ممکن است در شرایطی موجب اعمال کیفیات مخففه شود. گاهی رضایت مجنی علیه باعث زوال عنصر قانونی می شود، وقتی عدم رضایت از عناصر متشکله جرم است. از آن جهت که علاوه

<sup>۱</sup> محمد بن منصور بن احمد حلی، ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ه.ق. ج ۲. ص ۴۸۱.

<sup>۲</sup> رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۲۸۴.

بر عناصر کلی تشکیل دهنده جرم، ممکن است در بعضی از جرائم خاص وجود شرایط و عوامل دیگری هم ضروری باشد که عناصر تشکیل دهنده جرم خاص را تشکیل می دهد. گاه بی آنکه یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم خدشه دار گردد، رضایت مجنی علیه موجب عدم مجازات مباشر جرم می گردد. در این صورت، می توان گفت که یک علت توجیه کننده دخالت کرده است که ریشه این توجیه را در اجازه ضمنی قانون باید جستجو کرد، مانند موردی که جراحی با رضایت بیمار به عمل جراحی مبادرت می ورزد و در جریان عمل بیمار می میرد.<sup>۱</sup>

### بخش هفتم: مسئولیت مدنی ناشی از رضایت مجنی علیه

هر چند به نظر می رسد که رضایت زیان دیده از جرم و یا مجنی علیه ظاهراً موجب آن می شود که خسارات وارده را نتوان مطالبه نمود اما به نظر غالب حقوقدانان چنانچه از عمل فاعل جرم خساراتی حادث شود با احراز رابطه علیت بین خسارت و خطا در صورت مطالبه، مصونیتی جدی برای فرد خاطی از جهت جبران خسارت وجود ندارد. همان طور که ذکر شد رضایت مجنی علیه رافع مسئولیت نخواهد بود و تنها در بعضی موارد خاص منجر به تخفیف در مجازات می گردد. بنابراین اگر شخصی با رضایت خویش اسباب قتل و یا صدمات بر خود را بوسیله ناقل فراهم نماید، در جنبه عمومی جرم که همان قتل یا ایراد صدمات بدنی است تاثیری نداشته و مجازات برای وی قابل اعمال خواهد بود. در فقه اگر چه بنابر قاعده اقدام، هر گاه شخص بر ضرر و زیان خویش اقدام نماید، مسئولیت از دیگری را رفع می کند اما این قاعده نیز در امور مالی مقبول واقع شده است و در امور جزایی قابل قبول نمی باشد. لذا بنابر این قاعده نیز نمی توان انتقال بیماری را از سوی ناقل موجه قلمداد نمود و او را از مسئولیت مبرا بدانیم. تنها در باب قتل به تسبیب که در تمامی موارد می توان آن را مطرح نمود، در فقه، یک مسئله وجود دارد که شاید بتوان برای رهائی شخص ناقل که با رضایت مجنی علیه مبادرت به انتقال بیماری واگیر خویش می نماید به آن استناد کرد. در کتاب جواهر الکلام آمده است که اگر طعام مسمومی را که غالباً کشنده است و یا همراه با قصد کشتن یا موجب بیماری و سپس مردن مجنی علیه است، پیش

<sup>۱</sup>. صانعی، پرویز: حقوق جزای عمومی. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۲۳۶.

<sup>۲</sup>. رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۲۹۴.

کسی بگذارند و شخص اگر می داند که این طعام مسموم است و طعام مسموم آدم را می کشد، اگر بالغ هم نبود بلکه ممیز است و این مطالب را می فهمد و از روی اختیار طعام سمی را بخورد و بمیرد، بدون خلاف و بدون اشکال، کسی که طعام سمی را جلوی وی گذاشته است نه قصاص می شود و نه دیه دارد. زیرا خود مجنی علیه در حالی که می دانست آن طعام سمی است و می کشد آن را خورده، بنابراین خودکشی کرده است. هر چند گذاشتن طعام مسموم در جلوی او فی الجمله در خودکشی او موثر بوده، ولی مثل در اختیار گذاشتن چاقو برای کسی است که می خواهد خود کشی بکند. و تاثیر آن از باب شرط است. <sup>۱</sup> با توجه به این مسئله و مقایسه آن با موضوع مورد نظر ما، شاید بتوان گفت وقتی شخص مجنی علیه می داند که به طور مثال همسرش مبتلا به یک بیماری واگیردار کشنده است ولو با اینکه او قصد انتقال هم داشته باشد و باز با رضایت خویش به ارتباط جنسی محافظت نشده مبادرت می نماید، به نظر می رسد در اینجا در مسئولیت ناقل جای تردید است.

### بند اول: انتقال بیماری در اثر جهل ناقل

این قسم انتقال همان گونه که از عنوان آن بر می آید ناشی از جهل شخص ناقل بیماری است، لذا از آن جهت که در این مسئله با فقدان علم و اراده مواجه هستیم بنابراین به دنبال آن هستیم که جهل و تاثیر آن را در میزان مسئولیت شخص ناقل بررسی نماییم. در کتب لغت، جهل و جهالت به معنای نادانی، حماقت و ستمکار آمده است. در لغت نامه دهخدا جهل به معنای نادان بودن، نادان شدن و ضد علم است. غالباً در کتاب های حقوقی، اشتباه را با جهل مرادف می گیرند. در قاموس قرآن جهل به معنای نادانی و در مجمع البحرین در معنای خلاف علم آمده است. قلمرو پذیرش جهل به عنوان عذر در احکام جزایی از دیگر ابواب فقه، گسترده تر است. در فقه جزایی اسلام ترتب مسئولیت کیفری مشروط بر علم مرتکب جرم به حکم و موضوع است و جهل به آن به موجب قاعده « دَرءُ الْحُدُودِ » از عوامل رافع مسئولیت کیفری یا مانع کیفر شمرده می شود. مطابق مفاد این قاعده، هر

<sup>۱</sup>. محمد حسن نجفی، ترجمه جواهر الکلام ( دیات ). ترجمه، شرح و توضیح اکبر نایب زاده. ص ۲۹۴

<sup>۲</sup>. سید علی اکبر قرشی، چاپ ششم قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۲، ص ۸۰.

<sup>۳</sup>. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۴۵.

شبهه‌ای ( از جمله جهل به حکم یا موضوع ) از اجرای حدود جلوگیری می‌کند و مدعی جهل، در صورت اثبات ادعای خود، از محکومیت جزایی معاف می‌شود. از دیدگاه حقوق‌دانان هم اشخاص ملزم به فراگرفتن قوانین هستند، قاعده حقوقی «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» از قواعد پذیرفته شده و مهم حقوقی است که بر پایه آن، شرط اجرای قانون در باره افراد، علم آنان به قانون نیست و ادعای بی‌اطلاعی از قانون از آنان پذیرفته نمی‌شود، مگر در حد معقول آن؛ مثلاً در مورد تازه مسلمانان یا تازه واردان به کشور، و جهل به تفسیر قانون نیز در حکم جهل به قانون است به نظر حقوق‌دانان، پذیرش جهل به عنوان عامل رفع مسئولیت، سبب ایجاد بی‌عدالتی و هرج‌ومرج اجتماعی خواهد شد.

جهل قصوری: به این معنی است که شخصی متصف به جهل در شرایطی قرار گرفته که به هیچ عنوان نمی‌تواند از حکم آگاهی پیدا کند. مثلاً یک مکان دور افتاده ای زندگی می‌کند و با مراکز دینی ارتباطی ندارد که البته با توجه به رسانه های گروهی در همه دنیا ممکن است دیگر جاهل قاصر وجود خارجی نداشته باشد که البته تحت شرایطی خاص در حقوق جزای وضعی این نوع از جهل رافع مسئولیت است.

جهل تقصیری: به این معنی است که شخص جاهل می‌تواند نسبت به حکم آگاهی پیدا کند ولی در اثر سهل انگاری به دنبال آن نمی‌رود، در این زمان اکثر جهل‌ها، جهل تقصیری است. چنین جاهلی معذور نیست و دارای مسئولیت است. در فقه امامیه اشتباه و آثار آن بر احکام تکلیفی و مسئولیت کیفری اشخاص به دو دسته کلی تقسیم می‌شود که قبل از توضیح آنها به آیات و احادیثی که هر یک به نحوی مبنای مشروعیت احکام اشتباه است اشاره می‌کنیم:

« وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا »<sup>۱</sup>

« و ما هیچ قومی را عذاب نمی‌کنیم تا آنگاه که پیامبری بفرستیم. »

« لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا »<sup>۲</sup>

« خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند. »

۱. سوره ی اسراء، آیه ۱۵.

۲. سوره ی طلاق، آیه ۷.

در حدیث رفع که از پیامبر گرامی اسلام منقول است، حضرت فرموده اند :  
«رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي تِسْعَةٌ: مَا لَا يَعْلَمُونَ وَمَا لَا يَطِيقُونَ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَمَا اضْطَرُّوا إِلَيْهِ  
وَالْخَطَأَ وَالنَّسْيَانَ وَالطَّيْرَةَ وَالْحَسَدَ وَالْوَسْوَسَةَ فِي التَّفَكُّرِ فِي الْخَلْقِ.»

از امت من نه چیز برداشته شده است که در آنها تکلیف و مواخذه نیست :  
خطا و اشتباه، فراموشی، آنچه به زور بر ارتکاب آن وادار شوند، آنچه را نمی دانند، آنچه را  
طاقت ندارند، بر آنچه مضطر بر انجام آن شوند، فال بد زدن، رشک بردن.<sup>۱</sup>

همان طور که آیات و روایت حکایت دارد علم و جهل شخص مکلف در افعال او و آثار  
ناشی از آن نقش مهمی دارد. و نیز در کتب مختلف فقهی، اصل اباحه، قاعده قبح عقاب بلا  
بیان و قاعده درء از جمله دلایلی هستند که هر یک موید آثار جهل و اشتباه بر تکالیف  
شرعی مکلفین هستند. از دید فقه اشتباه و آثار آن در دو عنوان ذیل متجلی می شود :

الف) اشتباه حکمی ( جهل به قانون ) : اشتباه حکمی، آن است که کسی در اثر اشتباه و  
جهل نسبت به قانون یا جهل و اشتباه در مورد تفسیر قانون مرتکب جرمی بشود. در مورد  
اشتباه نسبت به قانون و حتی نسبت به تفسیر قانون باید متذکر گردید که علی الاصول  
چنین اشتباهی نباید موجب معافیت از مجازات و مسئولیت گردد. از دیدگاه حقوق جزای  
عرفی به موجب ماده ۲ ق. م و با توجه به اصل « جهل به قانون رافع مسئولیت نیست »  
بعد از گذشت مدت مشخصی، ادعای اشتباه حکمی از سوی مرتکب، مسموع و قابل پذیرش  
نیست، البته اخیراً در برخی از قوانین جزایی مبتنی بر حقوق عرفی، اشتباه حکمی قهری و  
اجتناب ناپذیر، از قاعده مذکور استثنا شده است. در حقوق جزایی اسلام ( فقه جزایی  
شیعه) با بررسی ادله و مستندات فقهی مربوط، این نتیجه حاصل می شود که ادله معذور  
بودن جاهل به واسطه دو قاعده وجوب تعلم احکام شرعی و اشتراک حکم بین عالم و جاهل  
تقیید و تخصیص خورده است؛ به عبارت روشن تر، جهل و اشتباهی که مانع از تحقق  
مسئولیت کیفری می شود، تنها جهل و اشتباه ناشی از قهر و غلبه و قصور است نه هر نوع  
جهل و اشتباه، که متأسفانه در قانون مجازات اسلامی بدین امر تصریح نشده است.

۱. میرزا حسین محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۶، ص ۴۲۳.

۲. ماده ۲: قوانین ۱۵ روز پس انتشار، در سراسر کشور لازم الاجراء است مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای  
موقع اجرا مقرر شده باشد.

ب) اشتباه موضوعی: منظور از اشتباه موضوعی آن است که این اشتباه مربوط به موضوع جرم باشد نه مربوط به قانون یا تفسیر آن. اگر اشتباه موضوعی در جرایم عمدی حادث شود تأثیر آن بر حسب اینکه به یکی از عناصر و اوصاف اساسی یا یکی از عناصر و اوصاف فرعی و یا یکی از علل مشدده جرم تعلق گیرد، متفاوت است و در صورتی که اشتباه در جرایم غیر عمدی رخ دهد اصولاً مسؤلیت کیفری فاعل را زائل نمی‌کند.

آخرین نکته ای که در این باب، قابل ذکر است این است که در احکام وضعی علم و جهل تأثیر ندارد، مثلاً اگر کسی مال دیگری را به گمان اینکه مال خودش می‌باشد، تلف کند باید خسارت آن‌ها را بپردازد اما در احکام تکلیفی، علم و جهل تأثیر دارد. پس اگر شخصی مایعی را به گمان این که آب است بنوشد اما معلوم شود که مشروب الکلی بوده است مجازات نمی‌شود.<sup>۱</sup> با توجه به این مسائل، در انتقال بیماری نیز اگر شخص دچار چنین اشتباهاتی گردد و منجر به قتل یا ایراد ضرب و جرح گردد، باز هم رفع مسؤلیت از وی نخواهد شد و تنها در عنوان جرم و یا میزان مجازات وی موثر خواهد بود. و در نهایت اینکه جهل و اشتباه عوامل نسبی رافع مسؤلیت هستند، هر چند ممکن است در مواردی مسؤلیت جزایی مرتکبین را مرتفع نماید اما طرح دعوی خسارت از باب مسؤلیت مدنی قابل قبول است.

### بخش هشتم: نمونه استفتائات مراجع عظام در راستای مسؤلیت حقوقی انتقال

#### بیماری

افرادی دارای بیماری‌های لاعلاج، کشنده و مسری هستند، از طرفی با توجه به اینکه برخی ویروس‌ها سبب نقص و اختلال‌هایی در سیستم‌های بدن می‌شود. در صورتی که فرد دارای بیماری کشنده عمداً دیگری را آلوده کند و فرد آلوده در اثر همین بیماری فوت کند، آیا کشنده بودن بیماری آلت قتاله محسوب می‌شود؟ و آیا وی مرتکب قتل شده و ضامن می‌باشد؟

آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای: در فرض سوال اگر فوت مستند به بیماری مذکور (که شخصی عمداً وارد بدن متوفی کرده) باشد، حکم قتل را دارد. کی از راه‌های انتقال بیماری‌های کشنده و مسری خونی (نظیر ایدز) استفاده از وسایل تزریق یا تیغ مشترک

<sup>۱</sup>. عباس زراعت، حقوق جزای اختصاصی ۱، ص ۲۲.

می باشد که طبق مقررات و ضوابط جاری کشور ممنوع می باشد. اگر آرایشگر یا آمپول زن یا... در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی در استفاده از وسایل انتقال دهنده میکروب باعث آلوده شدن خون افراد و در نهایت فوت آنها شود، حکم ضمانت آرایشگر یا آمپول زن یا... در دو فرض آگاهی وی از آلودگی وسیله مشترک و مسری بودن آن و عدم آگاهی وی چیست؟ و نیز تکلیف دیه فرد فوت شده چیست؟

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت : با استناد فوت به تقصیر آرایشگر یا آمپول زن، او ضامن دیه است.

آیت الله العظمی سید علی سیستانی : اگر استعمال کننده آگاه به آلوده بودن وسیله بوده و می دانسته که این گونه استعمال عادتاً سبب فوت می شود حق قصاص برای اولیای مقتول ثابت است. در غیر این صورت استعمال کننده ضامن دیه است و باید کفاره هم بدهد.

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی : پس از اثبات استناد مرض یا فوت به این عمل در مفروض سوال که استفاده کننده از وسایل، بی احتیاطی و بی مبالاتی داشته ضامن است ولو علم به آلودگی نداشته باشد.

اگر شخصی که مبتلا به ایدز و مانند آن می باشد دیگری را به بیماری آلوده کند که نوعاً پس از مدتی سبب صدمات و مرگ وی خواهد شد، چنانچه شخص ناقل زودتر از مجنی علیه فوت کند، دیه مجنی علیه و یا خسارات پس از مرگ جانی که مسبب از فعل جانی بوده است در هر کدام از فرض عمد، شبه عمد و خطای محض بر عهده کیست؟

آیت الله العظمی سید علی سیستانی : دیه آن در عمد و شبه عمد از ترکه جانی برداشته می شود و در خطای محض از مال جانی است و در فرض خطا بر عهده عاقله است، باید عاقله او دیه او را پرداخت کنند.

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی : در فرض سوال در صورت تحقق قتل عمد، موضوع قصاص به فوت جانی منتفی می شود و در صورت شبه عمد و خطا، دیه از مال جانی و عاقله پرداخت می شود. والله اعلم.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی : هر گاه ناقل سبب مرگ باشد از اموال او بر می دارند.

اگر کسی مبتلا به ویروس ایدز باشد و از بیماری خود خبر نداشته باشد و عملی انجام دهد که موجب انتقال ویروس به دیگری شود که منجر به مرگ وی گردد. آیا قتل از نوع خطای محض است یا شبه عمد

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: در صورتی که قتل عرفا به اون استناد داده شود، از قبیل شبه عمد است.

آیت الله العظمی سید عبد الکریم موسوی اردبیلی: در مفروض سوال، ظاهراً شبه عمد است.

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی: در فرض مساله، قتل از نوع خطای محض است. در مثالی دیگر از حضرات عظام سؤال شده که اگر عمل مزبور با رضایت مجنی علیه صورت پذیرفته باشد، آنگاه مسوولیت ناقل چگونه خواهد بود؟ پاسخی که ایشان مرقوم داشته اند از این قرار است:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی: ناقل ضامن است ولی حکم قصاص را ندارد.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی: رضایت به جنایت مجوز جواز آن نمی شود.

آیت الله العظمی موسوی اردبیلی: ناقل بیماری، ضامن نیست اگرچه قابل تعزیر می باشد.

آیت الله العظمی شاهرودی: مرتکب حرام شده است.

در نهایت، آیت الله صانعی در پاسخ به این سوال که اگر فردی با علم به این که مبتلا به بیماری کشنده ایدز است و مبتلایان به این بیماری در آینده ای نه چندان دور جان خود را از دست می دهند و نیز با علم به اینکه یکی از شایع ترین راه های انتقال این بیماری به افراد دیگر از طریق برقراری تماس نامشروع جنسی با دیگر افراد جامعه به قصد مبتلا کردن آنها به بیماری ایدز عده ای را به این بیماری دچار کند، هر چند تا به حال هم کسی از این مبتلا شدگان توسط فرد مورد نظر نمرده باشند، چه کیفری مقرر است؟

فرمود: این گونه اعمال جزء معاصی کبیره است که تعزیر و مجازات دارد و اگر متوجه احتمال تلف شدن و مردن طرف بوده و این امر پزشکی و بهداشتی را می دانسته با فرض مردن بیمار، جرمش قتل عمد می باشد و موجب قصاص است.



## نتیجه گیری

۱- آنچه مسلم است در اسلام، حفظ نفوس به قدری حائز اهمیت است که هر گونه تعرض به آن قابل سرزنش است. همانطور که پیش تر نیز بیان شد، اهمیت این مسئله به قدری است که در آیه ۳۲ سوره ی مائده آمده است « هر کس کسی را بکشد بی آنکه کسی را کشته باشد یا در زمین تباهی کرده باشد چنان است که همه مردم را کشته باشد » و نیز پیامبر گرامی اسلام نیز فرمودند: « أَوَّلُ مَا يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ؛ یعنی نخستین مسئله‌ای که در روز قیامت فیصله آن در میان مردم می‌شود، دعای قتل نفس است. در قواعد فقهی نیز تحت عنوان قاعده لاضرر، هر ضرری نفی شده است. بنابراین انتقال بیماری نیز همانطور که بیان شد منجر به صدمات جسمانی اعم از شدید و خفیف می‌گردد که این صدمات علاوه بر خسارت معنوی، خسارات مالی از قبیل هزینه های درمانی را به دنبال دارد. لذا شخص ناقل بیماری مسئول جبران خسارات وارده شناخته می‌شود.

۲- با توجه به روند رو به رشد بیماری هایی نظیر ایدز و وجود خطر جدی این قسم بیماری ها برای جامعه و نیز بروز بیماری های نوپدید نظیر ابولا، وجود قوانین خاص در جهت مجازات بیماران بی مبالات و بی احتیاط و پیشگیری از انتشار آنها به نظر ضروری می‌رسد. چرا که همانطور که در طی مباحث مقاله گفته شد در قوانین ایران تنها تحت دو ماده قانونی که یکی ماده ۶۸۸ ق.م.ا می باشد (هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل: آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابانها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد. و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد ) و دیگری که ماده ۹ قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماری های واگیردار می باشد (هر کس بداند مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر بوده و یا آنکه اوضاع واحوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری اوواگیر است و به واسطه آمیزش او طرف مقابل مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند مبتلاکننده به حبس تأدیبی از سه ماه تا

یک سال محکوم می‌شود) به مجازات انتقال بیماری‌ها اشاره شده است. ولی همانطور که مشاهده می‌شود این قوانین نه تنها شامل همه بیماری‌ها نمی‌گردد بلکه اصلاً در قابلیت استناد به این قوانین در بیماری‌های کشنده و خطرناک نیز جای تردید است.

۳ - انتقال بیماری‌های مسری چنانچه منجر به صدمه جدی علیه تمامیت جسمانی شخص گردد، مانند بیماری ایدز که در نهایت منجر به مرگ بیمار می‌گردد. سنگین‌ترین جرم علیه اشخاص به شمار آمده و بسته به نوع انتقال آن اعم از عمد و غیر عمد، تحت عناوین قتل عمد، شبه عمد و خطا قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

۴ - برای انتقال بیماری‌های کشنده در سطح وسیع و وجود عمد از سوی ناقلین به طور مثال در مورد انتقال ایدز گروهی تحت عنوان سکس ورکر به انتشار این بیماری می‌پردازند لذا چنین کسانی را که از روی عمد به شیوع بیماری‌های خطرناک در جامعه روی آورده‌اند و منجر به هلاکت و نسل‌کشی می‌گردند، می‌توان به جرم افساد فی الارض محکوم و مجازات نمود.

۵ - چنانچه سرایت بیماری‌های صدمات خفیف تری از قتل نفس را به همراه داشته باشد مانند جذام که گاه حتی به قطع عضو منجر می‌گردد، باز هم جرم به شمار آمده و تحت عناوین متناسب با میزان صدمه وارده مثل ضرب و جرح و یا نقص عضو قابل مجازات خواهد بود.

۶ - یکی از مسائلی که در مورد انتقال بیماری‌ها مطرح است، وجود رضایت مجنی علیه نسبت به انتقال این بیماری است. به طور مثال شخصی که همسرش دارای بیماری کشنده ایدز بوده و با رضایت همسرش به ارتباط جنسی مبادرت نماید دراینکه در این فرض چه کسی مسئول شناخته می‌شود جای تردید است، هر چند می‌دانیم که رضایت مجنی علیه منجر به زوال مسئولیت وی نخواهد شد. اما اگر به عنوان مثال فردی سرنگ آلوده یا خون آلوده به دیگری بدهد و فرد را آگاه کند که سرنگ آلوده است یا خون آلوده به دیگری بدهد و فرد را آگاه کند و او با علم به اینکه سرنگ آلوده است آنرا به خود تزریق کند، مسئولیت از دیگری رفع خواهد شد.

## منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی :

۱. اباذری فومشی، منصور. ترمینولوژی حقوق نوین. مشهد : نشر شهید داریوش نوراللهی، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۲. احسان پور، سید رضا. مسئولیت کیفری ناشی از انتقال ایدز. تهران : موسسه فرهنگی حقوقی سینا، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی. ۱۳۸۸.
۳. اسلامی تبار، شهریار ؛ الهی منش، محمد رضا. مجموعه کامل قوانین و مقررات پزشکی، دارویی و بهداشتی. تهران : مجد، ۱۳۸۸.
۴. اشرفی، محمد بن مهدی. شعائر الاسلام. تصحیح و تعلیق احمد باقری. تهران : دانشگاه تهران، موسسه انتشارات، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۵. اصغری، شکرالله. سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات. انتشارات بعثت، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۶. افلاطون. دوره کامل آثار افلاطون. ترجمه محمد حسن لطفی. تهران : نشر خوارزمی.
۷. افراسیاب، محمد اسماعیل. حقوق جزای عمومی. تهران : فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۸. آقایی، محمد علی. شرح مختصر اصطلاحات حقوقی، تهران : مهديه. ۱۳۸۲.
۹. الیوت، کاترین ؛ کوئین، فرانسیس. ترجمه کتاب کریمینال لاو. مترجمان روح الله فروزش و راحله قنبری. تهران : خرسندی، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۱۰. امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، ۶ جلد، انتشارات اسلامیة، تهران، ه ق.
۱۱. امامی، سید حسن، « تحولات حقوق خصوصی »، زیر نظر دکتر کاتوزیان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۱۲. ایلارآبادی، اسحاق. درسنامه پرستاری بهداشت جامعه ۱ و ۲ و ۳. تهران : جامعه نگر اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۱۳. بهرامی احمدی، حمید. ضمان قهری (مسئولیت مدنی) با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام های حقوقی. تهران : دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۴. بهرامی احمدی، حمید. قواعد فقه (قاعده لاضرر) با تطبیق بر قوانین و مطالعه تطبیقی. تهران : دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸.

۱۵. باریکلو، علی رضا، مسئولیت مدنی. تهران : میزان. ۱۳۸۵.
۱۶. یاد، ابراهیم. حقوق کیفری اختصاصی. تهران : دانشور، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران : کتابخانه، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸
۱۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران : گنج دانش، ۱۳۹۲
۱۹. حسینجانی، بهمن ؛ مظاهری تهرانی، مسعود. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا. تهران : مجد، ۱۳۸۹.
۲۰. حسینی نژاد، حسینقلی. مسئولیت مدنی. تهران : مجد، ۱۳۸۹.
۲۱. حییم، سلیمان. فرهنگ معاصر فارسی = انگلیسی. کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۴.
۲۲. درخشان نیا، حمید. ضرر و زیان ناشی از جرم. تهران : مهاجر، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۲۳. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۴. رسولی نژاد، مهرناز و دیگران. درمان قدم به قدم بیماریهای عفونی. تهران : انتشارات برای فردا، ۱۳۸۰.
۲۵. زراعت، عباس. حقوق جزای اختصاصی ۱ ( جرائم علیه اشخاص ). تهران : جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲.
۲۶. ساکی، محمد رضا، حمایت کیفری از حقوق بشر ( جرم انگاری و ضمانت اجرا )، چاپ اول، تهران : میزان، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲.
۲۷. سلطانی نژاد، هدایت الله. مسئولیت مدنی خسارت معنوی. تهران : نور الثقلمین، ۱۳۸۰
- ۱۳۹۱.
۲۸. ولیدی، محمد صالح. حقوق جزای اختصاصی. تهران : سپهر، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۲۹. ولیدی، محمد صالح. حقوق جزای عمومی. تهران : مرکز نشر داد، ۱۳۷۲.
- ب. منابع عربی
۳۰. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرّم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر، بیروت : لبنان، ۱۴۱۴ هـ ق.
۳۱. اصفهانی، محمد حسین کمپانی، حاشیه کتاب المکاسب (للأصفهانی، ط - القدیمة)، در یک جلد، ذوی القربی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ ق.

۳۲. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه (بجنوردی، سید محمد)، مؤسسه عروج، تهران، ۱۴۰۱ ه.ق.
۳۳. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، جلد ۵۶، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم.
۳۴. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳.
۳۵. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ ه.ق.
۳۶. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، چاپ اول، ه.ق.
۳۷. رحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی، ج ۶، دار الفكر دمشق، چاپ سوم؛ ۱۴۰۴.
۳۸. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی: ۱۴۰۴.
۳۹. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت: لبنان، ۱۴۰۸ ه.ق.